

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُرِيهِمْ آيَاتِهِ  
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ  
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ  
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ

٢٩١٠٤

بسمه تعالی

جلسه دفاعیه آقای ابوالحسن صدیق پور که در تاریخ ۱۳۴۴/۷/۲۷ با عنوان دفاع از رساله کارشناسی ایشان در فلسفه کانت بود در سال ۱۳۴۴ در فلسفه کانت برگزار شد و اساتید حاضر در جلسه آنرا با درجه بسیار خوب را برای ایشان منظور کردند.

استدراضا: جناب آقای دکتر ابوالحسن ذاکر زاده  
جناب آقای دکتر سید حسن الهدی

# تعارضات جهان شناختی

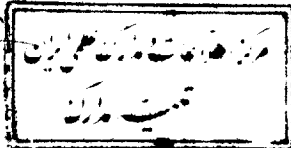
جناب آقای دکتر عبدالعزیز

جناب آقای دکتر محمد امینی

# در فلسفه کانت

استادشاه درجه محمود امینی

محمد امینی



۱۳۰۷۰/۲

۲۹/۰۴

قال علی علیه السلام:  
«من علّمني حرفاً فقد صیرني عبداً»

با تقدیر و سپاس از همه اساتیدی که چون  
شمع، روشنائی بخش و هدایت گر محفل  
دانش پژوهان اند.

از جناب آقای دکتر ذاکر زاده که راهنمائی  
رساله حاضر را بعهده داشتند و با  
رهنمودهای حکیمانه و با صبر و حوصله در  
رفع نواقص آن کوشیدند و نیز جناب آقای  
امین که به عنوان مشاور تلاش بی دریغ  
خود را جهت تنظیم این رساله مبذول داشتند  
کمال تشکر و قدردانی می نمایم و توفیقات  
روزافزون این بزرگواران را از خداوند  
متعال آرزو مندم.

صفحات	فهرست مندرجات
۶	مقدمه
۱۷	فصل اول: عقل محض و ایده های آن
۱۸	۱- عقل محض و کاربرد آن
۲۸	۲- نظام ایده های جهان شناختی
۳۲	فصل دوم: تعارضات جهان شناختی
۳۳	۱- کلیاتی پیرامون تعارضات جهان شناختی
۳۶	۲- جایگاه تعارضات در فلسفه کانت
۴۰	۳- تعارض اول جهان شناختی
۵۰	۴- تعارض دوم جهان شناختی
۵۵	۵- تعارض سوم جهان شناختی
۶۳	۶- تعارض چهارم جهان شناختی
۶۸	۷- محاسن و معایب عمومی نهادها و برابر نهادها در تعارضات چهارگانه
۷۲	فصل سوم: حل تعارضات جهان شناختی
۷۳	۱- توانایی انسان در حل تعارضات جهان شناختی و فهم ایده ها و پدیدارها
۷۴	۲- روش شک گرایانه
۷۸	۳- ریشه اصلی مناقشه جهان شناختی خرد باخویش

- ۸۳ ۴- ایده آلیسم استعلایی کلید حل جدل جهان شناختی
- ۸۸ ۵- نقش اصل تنظیمی خرد در حل تعارضات جهان شناختی
- ۹۳ ۶- حل تعارضهای چهارگانه از طریق تقابلهای تضادی
- ۹۷ ۷- حل نخستین تعارض جهان شناختی
- ۱۰۰ ۸- حل دومین تعارض جهان شناختی
- ۱۰۲ ۹- روشی دیگر در حل تعارضات چهارگانه
- ۱۰۸ ۱۰- ملاحظاتی از استراوسون راجع به تعارضهای ریاضی
- ۱۱۶ ۱۱- حل سومین تعارض جهان شناختی
- ۱۳۰ ۱۲- ملاحظاتی از اونگ و والش راجع به تعارض سوم
- ۱۳۹ ۱۳- حل چهارمین تعارض جهان شناختی
- ۱۴۴ فصل چهارم: ویژگیهای ایده‌های عقل محض و کاربرد تنظیمی آن
- ۱۴۵ ۱- ویژگیهای ایده‌های استعلایی چهارگانه جهان شناختی
- ۱۴۶ ۲- کاربرد تنظیمی ایده‌های عقل محض
- ۱۵۳ منابع و مأخذ فارسی
- ۱۵۵ منابع و مأخذ انگلیسی

## مقدمه

دو دیدگاه اساسی کانت، موجب پیدایش انقلابی در حوزه شناخت همانند انقلاب کپرنیک در حوزه نجوم شد، انقلابی که خود تحول عظیمی در تبیین از جهان و حوزه شناخت ایجاد کرد، این دو دیدگاه عبارتند از:

۱- وی معتقد است که قضایا یا تحلیلی هستند و یا ترکیبی. قضایای تحلیلی، قضایای هستند که در آنها محمول دست کم، بطور ضمنی در مفهوم موضوع مندرج است و صدق آنها مبتنی بر قاعده بطلان تناقض است بدین معنی که انکار قضایای تحلیلی فقط از طریق ارتکاب تناقض ممکن است. ولی قضایای ترکیبی قضایای هستند که محمول قضیه چیزی را به موضوع بطور سلبی یا ایجابی اضافه می کند و بر معلومات ما چیزی در مورد موضوع افزایش می دهد.

وی در تقسیم دیگر از قضایا، آنها را به قضایای پیشینی و پسینی تقسیم می کند. قضایای پسینی، قضایای هستند که مأخوذ از تجربه می باشند ولی قضایای پیشینی، مأخوذ از تجربه نیستند و دارای دو ویژگی ضرورت و کلیت می باشند.

از مجموع دو نوع تقسیم از قضایا، چهار نوع قضیه بدست می آوریم که محل بحث کانت قضایای ترکیبی پیشینی می باشند.

وی متقاعد شده است که قضایای ترکیبی پیشینی که دارای دو ویژگی ضرورت و کلیت می باشند، در ریاضیات، فیزیک و علم اخلاق وجود دارند، بنابراین بحث کانت، از هستی این قضایا نیست

بلکه می خواهد ثابت کند چگونه این نوع قضایا ساخته می شوند، از اینرو وی در "حسیات استعلایی" در مورد قضایای ترکیبی پیشینی ریاضی و در "تحلیل استعلایی" در مورد قضایای ترکیبی پیشینی طبیعی و در "نقد خرد عملی" از قضایای ترکیبی پیشینی اخلاق بحث می کند.

وی در مورد پیشینی بودن بعضی از قضایا می گوید: «اگرچه شناخت ما سراسر با تجربه شروع می شود، با این همه از این بر نمی آید که شناخت ما سراسر ناشی از تجربه باشد، زیرا کاملاً ممکن است که حتی شناخت تجربی ما، ترکیبی باشد از آنچه ما بوسیله احساسات دریافت می کنیم و آنچه قوه شناخت خاص خود ما که صرفاً بوسیله تاثرات حسی برانگیخته شده است از خود برون می دهد».<sup>(۱)</sup>

۲ - دیدگاه اساسی دیگر وی این است که او همانند هیوم و به تاثیر از آن، اعتقاد داشت که ضرورت و کلیت مطلق از داده های حسی اخذ نشده اند، اما کانت با این عقیده هیوم که کلیت و ضرورت در علوم وجود ندارند و آنچه وجود دارد انتظار معناد که حاصل از تداعی تصورات است، موافقت نکرد و معتقد شد قضایای ترکیبی پیشینی که دارای دو ویژگی کلیت و ضرورت هستند در ریاضیات و فیزیک محض و اخلاق وجود دارند.

اکنون با توجه به اینکه قضایای ترکیبی پیشینی صاحب کلیت و ضرورت، در علوم وجود دارند و مأخوذ از تجربه نیستند، این سوال مطرح می شود که این قضایا از کجا، و چگونه ایجاد شده اند کانت در پاسخ به این سوال چاره ای جز پذیرش انقلاب و تحول عظیم در حوزه شناخت ندارد، و می گوید:

---

۱ - کانت. نقد خرد ناب. قسمت: B1.

"تاکنون فرض می شد که سراسر شناخت ما باید خود را با متعلقات هماهنگ سازد، ولی کلیه مساعی برای اینکه چیزی در باره متعلقات بطور پیشینی بواسطه مفاهیم به یقین بدانیم، بنابه این فرض به جایی نرسیده است پس اکنون سعی می کنیم، ببینیم که آیا اگر فرض کنیم که متعلقات باید با معرفت ما مطابقت یابند در موضوع ما بعد الطبیعه بهتر پیشرفت می کنیم یا نه؟ به هر حال این با امکان امری که مطلوب ماست یعنی معرفت پیشینی به متعلقات که چیزی در باره آنها قبل از اینکه داده شوند تعیین می کند، بهتر مطابقت دارد." (۱)

مانمی توانیم به اشیاء خارجی معرفت پیدا کنیم مگر اینکه فاعل شناسا مقید به پاره ای شرایط پیشینی باشد، اگر ذهن انسان فقط منفعل و انبار صرف باشد نخواهیم توانست معارف پیشینی که دارای کلیت و ضرورت هستند و ما واجد آنها هستیم را توجیه نمائیم، از اینرو ذهن انسان هم منفعل است و هم فعال و دارای صور پیشینی. ذهن، صورشناسایی خود را که معین و مقدر از جانب احساس (مکان و زمان) و فهم (مقولات) انسانی است بر ماده نهایی تجربه (محسوب خام) تحمیل می کند. ساختمان ذهن ماطوری است که ما اشیاء را فقط از طریق این صور پیشین می توانیم بشناسیم. این صور پیشین در ادراک حسی، زمان و مکان می باشند. و ما اشیاء خارجی را تنها از این طریق می توانیم بشناسیم بنابراین به علت پیشینی و استعلایی بودن زمان و مکان است که در ریاضیات و هندسه، قضایای ترکیبی پیشینی وجود دارد، آغاز شناخت ما با تأثرات حسی بوسطه صور پیشینی احساس شروع می شود.

اکنون برای اینکه بتوانیم این تصورات حسی را بهم وصل و ترکیب کنیم باید از قوه فهم بواسطه

---

۱ - کانت. نقد خردناب. پیشگفتار ویراست دوم. قسمت: *BXVI*



اطلاق صور پیشینی فهم (مقولات) بر مدرکات حسی کمک بگیریم، کاربرد درست این مقولات وقتی است که اطلاق بر مدرکات حسی گردند. از اینرو کانت بایشینی دانستن مقولات (صور پیشینی قوه فهم) وجود قضایای ترکیبی پیشینی در فیزیک محض را توجیه می نماید.

ماجهان را به نحوی که در قالب صور پیشینی احساس قرا می گیرند، می شناسیم که کانت نام آن را پدیدار می نامد و از چیزهای که بواسطه تاثرات حسی در قالب صور پیشینی احساس و فهم ماقرار نگیرند یعنی اشیاء فی نفسه، هیچ شناختی نداریم.

کانت در مورد وابستگی دو قوه احساس و فهم می گوید: "بدون حس هیچ عینی به ذهن داده نمی شود، وبدون فهم هیچ عینی مورد تفکر قرار نمی گیرد، فکر بدون مضمون تهی است وشهود بدون مفاهیم ناییناست...فهم قادر به شهود نیست وحواس قادر به تفکر نیستند، فقط از اتحاد وهمکاری هر دو است که معرفت حاصل می گردد.." (۱)

تعقل و تفکر فقط در مورد شهودات حسی بوسیله مقولات ممکن است از اینرو بکاربردن مقولات در فراتراز شهودات حسی منتج به هیچ نتیجه ای نخواهد شد.

"شناخت ما از دو سر چشمه بنیادین ذهن ناشی می شود، که نخستین آنها این است که تصور هر را دریافت کند (دریافت ارتسامات) ودومین آنها این قوه است که به وسیله آن تصورها یک متعلق را بشناسد" (۲).

بنابراین انسان نمی تواند در قلمروی خارج از تجربه به شناختی دست یابد چونکه قوه شناخت

---

۱- کانت. نقد خردناب. قسمت: A۵۱

۲- همان منبع. قسمت: A۵۰

ما محدود به حس و فهم است و خارج از ایندو وقوه شناختی نداریم، مفاهیم محض فهم بدون مواد حاصل از شهود حسی صرفاً صورتهای منطقی احکامند و به خودی خود هیچ نوع تعینی ندارند و خالی هستند.

عقل محض به اقتضای طبیعت خود، مقولات را در عرصه‌ای فراتر از آنچه در زمان و مکان بر مامعلوم می شود به کار می گیرد و بدین وسیله می خواهد پرسشهای متافیزیکی را پاسخ دهد، ولی از آنجا که متعلق این مقولات فقط مدرکات حسی هستند هر نوع کاربردی خارج از مدرکات از این مقولات، انسان را گرفتار جدل و توهم می کند.

عقل محض در پاسخ گویی به مسائل مابعد الطبیعی دارای مفاهیم محض که کانت آنها را ایده‌ها می نامد، می باشد.

"همچنانکه فاهمه برای تجربه به مقولات محتاج است عقل هم در خود مبدئی برای ایده‌ها دارد، مراد من از ایده‌ها، مفاهیمی است ضروری که متعلق آنها هرگز در تجربه عرضه نتواند شد، ایده‌ها همانگونه لازمه طبیعت عقلند که معقولات لازمه طبیعت فاهمه.<sup>(۱)</sup>"

وی همانطوری که با استفاده از صور و انواع منطقی احکام، مقولات دوازده گانه فهم را استنتاج کرد، با استفاده از صور گوناگون قیاس، ایده‌های عقل محض را استنتاج می کند و با استفاده از سه نوع قیاس حملی، استثنائی و انفصالی ایده‌های سه گانه عقل محض را کشف می کند، که در قیاس حملی ایده نفس و در قیاس استثنائی ایده جهان و در قیاس انفصالی ایده خدا را استنتاج می کند.

اگر برای این ایده‌های عقل محض واقعیت عینی خارج از تجربه در نظر بگیریم، قوه فهم ما هیچ شناختی نمی تواند از آنها بدست آورد. عقل در این قیاسات در پی یافتن شرطهای شرطهاست

---

۱ - کانت. ایمانوئل. تمهیدات. ترجمه غلامعلی حدّاد عادل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۷. قسمت: ۴۰.

و بدنبال آن چیزی است که خود نامشروط است، حال اگر عقل به این نامشروطهای خود در انواع قیاسات، واقعیت عینی بدهد، گرفتار مغالطات و تعارضات خواهد شد.

کانت در "جدل استعلایی" قوه فهم انسانی را به جزیره‌ای در میان اقیانوس توفانی تشبیه کرده که انسان بر اساس گوهر جستجوگر خویش از ماندن در این جزیره خوشنود نیست و برای کشف سرزمینهای دیگر، خطر دریانوردی و توفان اقیانوس را به جان می‌خرد تا اینکه خود را به مناطق ثابت و امنی برساند، ولی افسوس، که آنچه را او سرزمین جدید و پناهگاه مطمئنی می‌یابد، چیزی جز توده‌های مه و تخته‌های یخ نیست، از این رو کانت در این قسمت از کتاب خود تلاش می‌کند که انسان را از وارد شدن به چنین توهمات و پندارهای اندیشه منع کند.<sup>(۱)</sup>

اختلاف قوه فهم با قوه عقل در این است که وظیفه فهم حکم کردن و متحد کردن پدیدارها بواسطه مقولات است ولی وظیفه عقل استدلال با قیاسهای سه‌گانه یعنی اقترانی، شرطی متصل و شرطی منفصل است. عقل این وظیفه خود را به دو صورت درون ماننده یا فرضی و ماوراء حسی یا یقینی انجام می‌دهد.<sup>(۲)</sup>

در قیاس اقترانی، مطلق را جستجو می‌کنیم که همه پدیدارهای باطنی ما به آن منتهی می‌شود، این مطلق که دیگر محمول برای هیچ موضوعی واقع نمی‌شود، همان معنای "من یا نفس" است و بدین طریق روان‌شناسی نظری شکل می‌گیرد در قیاس شرطی متصل که مشروط معلق بر شرط می‌گردد، عقل در جستجوی شرطها و علل طبیعی اشیاء، به علت مطلق بنام جهان به

---

۱ - نقیب زاده، میر عبدالحسین. فلسفه کانت، بیداری از خواب دگماتیسم. تهران: موسسه انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۶۰. ص: ۲۵۰.

۲ - توضیح دو کارکرد عقل در بحث کاربرد تنظیمی عقل محض مطرح خواهد شد.

عنوان مجموع علل یا شروط می رسد، و از اینرو علم جهان شناختی نظری شکل می گیرد. اما در قیاس شرطی انفصالی، هنگامی که برای کلّ متعلقات فکر جستجو از شرط مطلق می شود، به معنی علت یا وجود اعظم که خداست می رسیم و علم خداشناختی نظری شکل می گیرد.

کانت در "حسیّات استعلایی" و "تحلیل استعلایی" اثبات نمود که هر چیزی که در محدوده زمان و مکان قرار نگیرد، نمی توان مقولات را بر آنها اطلاق کرد و در نتیجه نمی توان هیچ نوع شناختی از آن حاصل کرد. و اگر بخواهیم برای متعلقات عقل محض واقعیاتی در نظر بگیریم و از آنها شناختی حاصل کنیم، این فرارفتن از قلمروی توانائی انسان است، کانت در "جدل استعلایی" می خواهد برای عقاید خود در "حسیّات استعلایی" و "تحلیل استعلایی" تأییدی بیاورد البته تأییدی که به نظری (۱) در افاده مقصود خیلی رساتر از مدعیات او در دو مبحث فوق می باشد.

این فرارفتن انسان از توانائی شناخت خود، او را در باره ایده جهان گرفتار تعارضات چهارگانه می کند که بادیگاه جزمی عقلی و دیدگاه تجربی رهایی یافتن از آنها ممکن نیست، از این روی ابتدا، تعارضات اصلی موجود در جهان شناختی را بر اساس دو دیدگاه که هر کدام در ری ادّه مستحکم و عام القبول هستند، طرح می کند و سپس بر اساس فلسفه نقادی خود آن تعارضات را حلّ می نماید.

\* \* \*

---

۱- کانت. نقد خرد ناب. قسمت ۶. A۵۰۶

رسالة حاضر در چهار فصل ذیل تعارضات جهان شناختی نظری را مورد بررسی قرار می دهد:

**فصل اول:** در این فصل، عقل محض و نحوه کاربرد منطقی و واقعی آن مورد بحث قرار گرفته

و به این دو سوال که عقل چگونه ایده های خود را کشف می کند و اینکه در چه نوع از سلسله شرطها، عقل به دنبال کشف ایده های می گردد، پاسخ داده می شود.

**فصل دوم:** در این فصل جایگاه و منزلت تعارضات در نظام فلسفی کانت و علت وجودی آنها

مورد بحث قرار گرفته است و آنگاه بخش اعظم این فصل به تبیین دو طرف تعارضات چهارگانه و استدلالهای هریک از آنها و نقد و نظر پیرامون آنها اختصاص داده شده است و در پایان این فصل محاسن و معایب عمومی طرفین تعارضات مورد ملاحظه واقع شده است.

**فصل سوم:** در این فصل توانائی انسان در حل تعارضات و فهم ایده ها و دیدارها و روش شک

گرایانه ی کانت در داوری بین این تعارضات مورد بررسی واقع شده و آنگاه براساس فلسفه نقادی وی ریشه اصلی مناقشه جهان شناختی خرد با خویش و کلید حل این جدل و نقش اصل تنظیمی خرد در حل آن مورد تحقیق قرار گرفته و سپس بطور تفصیلی به حل تعارضات چهارگانه بر اساس تقابلهای تضادی و تعارضهای ریاضی و بویا پرداخته شده است.

**فصل چهارم:** در این فصل ابتداء و ویژگیهای ایده های استعلایی چهارگانه جهان شناختی

و سپس نقش اصلی خرد ناب که نقش تنظیمی است به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

\* \* \*

توجه به مطالب زیر برای ملاحظه مقاله حاضر ضروری است:

۱- در تبیین تعارضات جهان‌شناختی نظری و حل آنها مطابق فلسفه کانت، فقط از دو کتاب "نقد خرد ناب" و "تمهیدات" وی استفاده شده و از سایر کتب او در این تحقیق استفاده‌ای بعمل نیامده است.

۲- نگارنده این رساله ترجمه فارسی "نقد خرد ناب" که توسط آقای دکتر ادیب سلطانی، و ترجمه انگلیسی آن که توسط آقای کمپ اسمیت صورت گرفته، را بطور تطبیقی و مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار داده است و در این رساله هر جا ارجاع مستقیم به "نقد خرد ناب" انجام شده، به این صورت بوده که از مطالعه و تطبیق آندو به قلم خود، مطالب را به فارسی برگردانده است، و اگر بین ترجمه انگلیسی و فارسی آن اختلافی ملاحظه می‌شد، آن را در پاورقی توضیح داده است.

۳- مطالبی که در این رساله از کانت بطور مستقیم و غیر مستقیم نقل شده است بر اساس ترجمه‌های انگلیسی و فارسی از دو کتاب فوق وی می‌باشد، بنابراین تشخیص صحت و درستی تطابق این ترجمه‌ها با متن اصلی آنها که آلمانی می‌باشد در توان نگارنده نیست و وی هیچ‌آشنایی با زبان آلمانی ندارد. همچنین احتمال اینکه مفسران انگلیسی زبان فلسفه، کانت، که نگارنده در این رساله از کتب آنها استفاده کرده است، در فهم فلسفه وی به اشتباه رفته باشند و بر اساس فهم غلط خود از فلسفه او، انتقاداتی بر آن وارد کرده باشند، وجود دارد.

۴- توجه به این مطلب ضروری می‌باشد که بحث تعارضات جهان‌شناختی فلسفه کانت از مباحث بسیار مشکل و مبنائی فلسفه‌ای وی می‌باشد، بطوری که نگارنده با بضاعت علمی بسیار

کم، برای فهمیدن یک صفحه از "نقد خرد ناب" در موارد زیادی چندین ساعت وقت صرف کرده است، و حتی بعضی از تاریخ نویسان فلسفه غرب که کتب آنها به فارسی ترجمه شده است، در مورد این بحث خیلی اندک و گذرا بحث کرده اند و از وارد شدن به مشکلات این بحث خوداری کرده‌اند.

از این رو با توجه به مطالب شماره ۳ و ۴ فوق اجتناب از نواقص محتوایی در این رساله امری غیر ممکن می باشد که امیدوارم اساتید محترم و خوانندگان گرامی این رساله بادیده اغماض نسبت به آن بنگرند.

۵ - اغلب منابعی که نگارنده در تدوین این رساله از آنها کمک گرفته است فاقد نگرش مقایسه‌ای بین حدّ اقل دو کتاب "نقد خرد ناب" و "تمهیدات" بوده‌اند که این امر از غنای این منابع می کاهد، از این رو مقایسه‌های موجود در این رساله بین دو کتاب فوق توسط نگارنده صورت گرفته است.

۶ - دو اصطلاح "ایده‌ها" و "تصورات" بطور مترادف به معنای کلمه "*Ideas*" بکار گرفته شده‌اند.

۷ - دو اصطلاح "خرد ناب" و عقل محض بطور مترادف در معنای *pure Reason* و دو اصطلاح "قوه فهم" و "فاهمه" به معنای *Understanding* بکار رفته‌اند.

۸ - در ترجمه فارسی کلمه *Transedent* کلمات "ماوراء حس" "ما فوق تجربه" و "متمعنی" بطور مترادف و در ترجمه فارسی کلمه *Transendetal* کلمات "استعلایی" و "یشینی" بکار رفته است، و در رساله حاضر هر جا ابهامی در استفاده از این دو اصطلاح کلیدی وجود داشته